

سر ساه و سفندم

من آرزوی شما نم ،  
کز ابر تره دسدم

چه غم که شد سید ابرگی

سر ساه و سفندم .

یه ساه روشن تویم

طردن آینه تویم

به جز تو کسیت نداند .

که روز و شب چه کشدم

تلاش من هم آن بود

در صمدی نوران

که ناسگفته نخشکند

بخفته آرا بدم .

چهارم دردم ادرا

ببا که دیده ام ، اما

ندیده بودم خود را

کنون در آینه دسدم

که آتش دل ابرم

که ساید بر کوسم

چه که کنی بر سگفتا

سر ساه و سفندم !